

قضاء و چگونگی آفرینش عدالت

قسمت سوم

عدالت قضائی و تأثیر آن بر امنیت جامعه و عدالت اجتماعی:

واقعیتی که من به آن ایمان کامل دارم اینست که: امنیت و حفاظت جامعه و افراد آن، منوط به حاکمیت قانون و نظام مضبوط حقوقی و بالاخره عدالت اجتماعی بوده که بدون گسترش عدالت قضائی هیچگاهی نمیتواند وجود کامل خارجی پیدا کند و همچنان تطبیق سالم احکام قانون و حاکمیت آن مستقیماً در امنیت و سلامت جامعه سهیم و زیدخل است ولی توجه داشته باشیم که موجودیت این همه خواسته های رؤیائی و تأمین عدالت بدون موجودیت استقلال کامل قضائی از امکان بعید است.

ببینید مرام من در رابطه به جامعه ای که سرنوشت مردم آنرا نظامهای های برسر اقتدار به گونه های مختلف و یا خود افراد جامعه به روال سنت بشری از طریق نماینده های خویش با ایجاد قوانین کتبی تعیین می کنند بایست چنین اسنادی دایر بر تبارز اراده آنها وسیله قوانین مدنی و کیفری تسجیل و به معرض اجرا گذاشته شود و چنین اهداف و مرام صرف از طریق نظام حقوقی مضبوط و قوانین مدون و مسجل بویژه قانون اساسی کارآ (مادر قانون) که مظهر اراده مردم و هسته مرکزی الهام سایر قوانین باشد می تواند اثبات مدعا گردد - زیرا محتوای احکام قوانین متذکره و نظام حقوقی میتواند متضمن اراده و نشانگر اندیشه مکتوم نظام و خواست و اراده مردم باشد که تطبیق و رعایت احکام آن چگونگی نیت و مرام آنها را به اثبات رسانیده مایه و جوهر اصلی قوانین که مظهر اراده آنها شمرده میشود هویدا و آشکار نماید آنگاه دیده میشود که اسناد مسجل حاوی عنصر عدالت که بکارگیری و تطبیق آن مسبب منافع، رفاه و آسایش مردم باشد درین قوانین جای دارد؟ و اگر این عنصر مقدس (عدالت) در دل این اسناد با انگیزه راستین برای رعایت حق و حقیقت و زدودن ظلم و بیداد جانی یافته باشد - بایست با نیت پاک در پیاده کردن مرام انعکاس یافته آن بر بنیاد همین قوانین بر مردم تأدیه شود، از یاد نمیبریم که لازمه اصلی توصل به این اهداف همانا تطبیق سالم قوانین نافذ درین راستا است که ما ایجاد گر آن هستیم در غیر آن هر قانون و مصادیر قانونی حکم کاغذ پاره نابکاری را خواهد داشت.

اکنون ما به جای و موقفی قرار داریم که باید بدانیم برای تطبیق و اجرای سالم قوانین وضعی چه شرایط اساسی را میتوانیم ملاک عمل قرار دهیم؟

رکن اساسی در تطبیق راستین قوانین در راه نیل به اهداف یادشده بالا فقط قوه مستقل و آزاد قضا در بدنه یک سیستم دموکراسی راستین و تفکیک قوای ثلاثه با شناخت صلاحیت های جداگانه آنها به سهم هر کدام میسر است.

اگر ما به همین اصل مؤمن هستیم باید بسیار عاملانه و با خرد کامل در راه ایجاد یک سیستم قضائی کارآ با صداقت کامل به حقانیت مرام خویش موانع و علل عدم تطبیق سالم قوانین را

از سر راه محاکم و قضاء دور ساخته و هر آنچه در راه تضعیف قضاء و قانون مؤثر باشد مهار سازیم تا بتوانیم اهداف اصلی که گسترش و تأمین عدالت قضائی و پایه داری امنیت است قدم اساسی گذاریم.

همانطوریکه در بالا متذکر شدم مطلب ما دید و یادی از موجودیت محاکم و تأمین عدالت قضائی از طریق دادگاهها و قضاء و تحول شکلی و معنوی این ارگان بوده است - قضای وطن ما درین راستا تجارب و تاریخ گوناگون دارد. چنانچه به موازات تحول و تغییر در زنده گی بشر، افراد جامعه و متناسب به آن تحول نسبی دادگاهها و قضای کشور و پروسه قانون گذاری بموجب ضرورت اجتماع نیز تحول پذیر گردید که این تحولات در وجود جامعه توأم با کثرت نفوس از دیاد جرایم و جنایات و اعمال خلاف قانون همراه با دعاوی حقوقی به سنگینی و مشکلات جامعه می افزود و در مجموع این ضرورت ها که به مرور زمان افزونتری گردید به دادگاه ها و محاکمی همگون ضرورت احساس می شد که در تداوم این چالشهای اجتماعی احتیاجات را مرفوع و به داد خواهی مردم رسیدگی گردد به عبارت دیگر محاکم نیز بایست موافق به خواست و تقاضای جامعه تأمین عدالت نماید و در راه تحکیم امنیت جایگاه مؤثر داشته باشد. به این مفهوم نظریه تذکرات بالا ایجاب توسعه و تحول را در رابطه به ظرفیت و پذیرش قضایا و دعاوی، کمیت و کیفیت فیصله ها و احکام صادره آنها در تطابق به قوانین نافذ کشور می نمود. این ضرورت ها به مرور زمان در سطح کشور با در نظر داشت منافع جامعه و مردم نیز شدیداً محسوس و روز افزون بود که بایست پاسخ آن داده می شد. این احتیاج محسوس زمان ایجاد گر محاکم مختلف در رابطه به نوعیت قضایا و دعاوی حقوقی گردید و این تحول در سطح قضاء را میتوان درج اسناد تدوین شده در هر دوره که به نوعی از انواع پا بند ایجاد و رعایت نظام قانونی و حقوقی جامعه بوده اند مشاهده کرد قواعد مندرج در قوانین اساسی و قوانین تشکیل و صلاحیت قضائی منحیث یک سند مسجل مثبت این ادعا است.

باقی دارد.

با حرمت سخی صمیم.